



<span>►</span>	<span><span></span></span>	<span>—</span>	مرتب سازی بر اساس	<span><span></span></span>	جستجو در متنی
----------------	----------------------------	----------------	-------------------	----------------------------	---------------



<span>►</span>	جستجو در درختواره
----------------	-------------------

<span></span>
خارج فقه
خارج اصول
اخلاقی
تفسیر
عقاید

### 37 ـ ادامه مسئله 9 ـ 13/09/85

بحث در شرط سوّم از شرایط وجوب حج در استطاعت در این بود که آیا استطاعت عرفی مراد است یا استطاعت شرعی؟ اگر استطاعت شرعی باشد بعضی چیزها مانند راحله موضوعیت دارد و اگر نداشته باشد حج واجب نمی شود.

بیان شد دلیل قائلین به استطاعت شرعی اطلاق معاهد اجماعات و اطلاق اخباری است که دلالت بر زاد و راحله می کند که صورت نیاز و غیر آن را شامل است.

**قلنا:** در مورد اطلاق معاهد اجماعات سه اشکال وارد است:

**اولاً:** اجماعی نیست و اقوال مخالفین نقل شد.

**ثانیاً:** اجماع مدرکی و مدرک همان اخبار است. پس حجّیتی ندارد.

**ثالثاً:** اطلاقات بر فرد غالب حمل می شود و در جاهای دیگر فقها فرد غالب را ملاک می دانند ولی در اینجا فرد غالب را ملاک قرار نداده اند. زاد و راحله ابزار سفر است و اگر بی نیاز باشد قطعاً تهیّه آن لازم نیست.

جواب از دلیل دوّم (اطلاق اخبار) هم همین است یعنی اطلاقات حمل بر فرد غالب می شود و با تمام احترامی که برای بزرگانی مانند مرحوم صاحب جواهر، مرحوم صاحب عروه، محشّین عروه و مرحوم امام داریم می گویم اینجا اشتباه شده و استطاعت عرفی مراد است.

**ادله قائلین به استطاعت عرفی:**

**ـ لفظ استطاعت در قرآن :**

لفظ استطاعت در آیه **«لله علی الناس حجّ البیت من استطاع إلیه سبیلاً»(۱)** آمده است و قاعده در باب الفاظ این است که تمام الفاظ بر مفاهیم عرفی حمل می شود و اگر امر دائر شود بین معنای عرفی و معنای لغوی، معنای عرفی ملاک است.

اگر ادعای حقیقت شرعیّه شود باید ثابت شود چون حقیقت نقل لفظ از یک معنا به معنای جدید است در حالی که اصل عدم نقل است و اگر شک هم کنیم که به معنای جدید منتقل شده و حقیقت شرعیّه پیدا کرده، اصل عدم نقل به معنای جدید

است، بنابراین استطاعت در آیه بر معنای عرفی حمل می شود نه حقیقت شرعیّه.

از بقی از عبارات صاحب جواهر استفاده می شود که بعضی از اساتید ایشان معتقد بودند که استطاعت یک معنای مجمل شرعی پیدا کرده است. به عقیده ما این مطلب درست نیست و دلیل بر حقیقت شرعیّه داشتن استطاعت نمی شود، اگر چه خود حج حقیقت شرعیّه است.

**ـ عدم شرطیّت راحله برای 2 مکی:**

ادّعا شده که برای مکی راحله شرط نیست ولی روایتی نداریم بلکه مشهور و مانند اجماع است که در استطاعت مکی راحله شرط نیست.

این حکم از کجا استفاده می شود؟ آیا جز این است که چون نیاز ندارد راحله در حقش شرط نیست؟ پس، از این که روایت نداریم و در مورد مکی چنین گفته شده معلوم می شود که اطلاق معاهد اجماعات و اطلاق روایات ناظر به جایی است که نیاز

داشته است. به عبارت دیگر دو فتوا داریم: فتوای اوّل این که زاد و راحله لازم است و فتوای دیگر این که مکی نیاز به راحله ندارد، از این تفصیل استفاده می شود که استطاعت عرفی مراد است و فتوای دوّم فتوای اوّل را تفسیر می کند.

**ـ روایات 3:**

روایاتی که می گوید کسی که می تواند پیاده به حج برود، پیاده برود، البتّه کسانی که قائل به استطاعت شرعی هستند این روایات را توجیه کرده اند.

**\* محمد بن الحسن باساده عن موسی بن القاسم بن معاویه بن وهب** (در اسناد روایات مرسوم نیست اسم اجداد را ببرند و به ذهن می رسد که اشتباه شده، و عن معاویه بن وهب باشد ولی در کتب رجال «موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب» به این نام مطرح است که از نقّات است) **عن صفوان بن یحیی، عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم** (صحیحه) **فی حدیث قال: قلت لأبی جعفر(علیه السلام) فإن عرض علیّ الحجّ فاستحیی** (خجالت کشید؟ **قال: هو مثنّ یستطیع الحجّ و لم یستحیی و لو علی حمار أجدع** (بینی بریده) **أبیّ قال: فإن کان یستطیع أن یمشی بعضاً و أن یركب بعضاً فلیفعل.**(2)

سند روایت خوب و در مورد حج واجب است و نمی توان ذیل را بر حجّ استجابی حمل کرد و ظهور روایت قوی است.

**\* ... عن معاویه بن عمار** (صحیحه) **قال: سألت أبا عبد الله(علیه السلام) عن رجل علیّه دین أعلیه أن یحجّ؟ قال: نعم إن حجّة الإسلام واجبة علی من أطاق المئی من المسلمین** (اوی اهل مدینه است و پیاده روی بین مکه و مدینه مرسوم بوده است) **و لقد کان أكثر من حجّ مع النبی(صلی الله علیه وآله)مشاة و لقد مرّ رسول الله(صلی الله علیه وآله) بکراع الغمیم** (نام محلیّ از منازل بین مکه و مدینه) **فشکوا إلیه الجهد و العناء فقال: شدّوا أزکم** (کمربندها را محکم ببندید) **و استبطنوا** (شکم را محکم ببندید) **ففعلوا ذلك و فذهب عنهم.**(3)

**\* ...عن علی بن ابی حمزه** بطائنی که ضعیف است) **عن أبی بصیر قال: قلت لأبی عبدالله(علیه السلام) قول الله عزّوجلّ و «لله علی الناس حجّ البیت من استطاع إلیه سبیلاً» قال: یخرج و یمشی إن لم یکن عنده** (راحله نداشته باشد) **قلت: لایقدر علی المئی؟ قال یمشی و یركب، قلت: لا یقدر علی ذلك أمتی المئی قال: یخدم القوم و یخرج معهم** (به قوم خدمت می کند و پول راحله را تهیّه می کند و سوار آن می شود)(4).

آیا با خدمت به قوم و تهیه راحله استطاعت عرفی حاصل می شود؟ بله اگر مطابق شأنش باشد اشکال ندارد.

**\* قال: و فی روایة الکافی** (مرسله کنانی) **عن أبی عبدالله(علیه السلام) قال و إن کان یقدر علی أن یركب بعضاً و یمشی بعضاً فلیفعل و من کفر قال: ترک** (این روایت تفسیر آیه استطاعت است)(5).

1.سوره آل عمران، آیه 97.

2. ح 1، باب 10 از ابواب وجوب الحج.

3. ح 1، باب 11 از ابواب وجوب الحج.

4. ح 2، باب 11 از ابواب وجوب الحج.

5. ح 1، باب 8 از ابواب وجوب الحج.

#### پی نوشت:

#### مطالب مرتبط

128- م 46(توقّف تخلیة السرب علی قتال العدو) ـ 16/03/86

127 ـ ادامه مسأله 45 ـ 13/03/86

126 ـ ادامه مسأله 45 ـ 12/03/86

125 م 45 (ترک الحج مع وجود الشرایط و اتیانه مع فقد بعضها) ـ 08/03/86

124 ـ ادامه مسأله 44 ـ 07/03/86

123 ـ ادامه مسأله 44 ـ 06/03/86

